

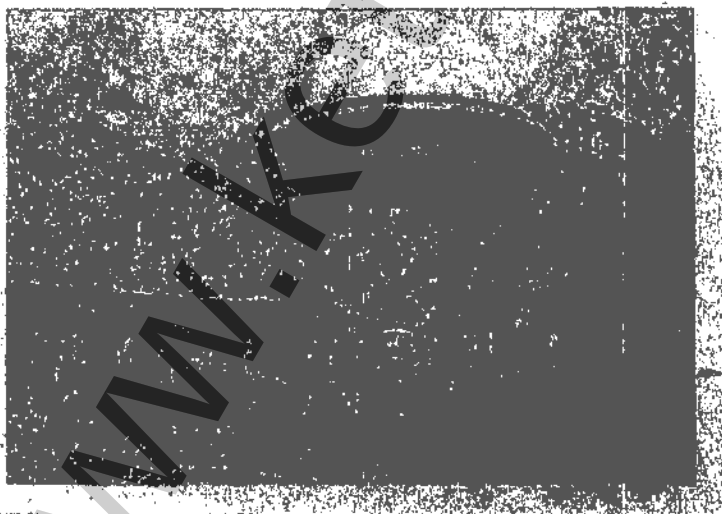
به نام خدا

پیشکش به خورشید تابان

بنیانگذار فرهنگ عامه در استهبان

شمس اصطهباناتی

# شیخ مغربی



نگرشی کوتاه بر زندگی و گزیده‌ی اشعار

محمد شیرین (شمس) مغربی

پژوهش و گزینش: محمدرضا آل‌ابراهیم

آل ابراهيم، محمد رضا، ۱۳۳۰

شيخ مغربي (محمد شيرين شمس مغربي) / محمد رضا آل ابراهيم

استهبان: انتشارات سته بان، ۱۳۸۴، ۶۴ ص، مصور

ISBN 964 - 95919 - 1 - 5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

نمایه،

۱. شعر فارسی - قرن ۸ و ۹ ق. ۲. شيخ مغربي، محمد

شيرين (شمس) مغربي، ۷۵۰ - ۸۰۹ هـ ق. الف. عنوان:

کتابخانه ملی ایران



انتشارات سته بان

شيخ مغربي (محمد شيرين شمس مغربي)

محمد رضا آل ابراهيم

چاپ: نخست

اردیبهشت ۱۳۸۴

قطع: رُقمی

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

عکس پشت جلد: سيد حسن کشفی

استان فارس، استهبان، خیابان سلمان، روبه روی بانک صادرات شعبه بازار

تلفن ۴۲۲۵۲۵۵ - ۰۷۳۲

حق چاپ و انتشار محفوظ است.

## پیش درآمد

شیخ مغربی در استهبان نامی بسیار آشناست. همه او را می‌شناسند و برایش احترام زیادی قائل‌اند. باغ باشکوهی که تا سال ۱۳۰۳ خورشیدی پابرجا بوده و سپس در آن ساخت و ساز کرده‌اند و بنای نخستین دبستان را در همان جای ریزی نموده‌اند، متعلق به شیخ مغربی است که پس از درگذشت وی در همین مکان به خاکش سپرده‌اند.

برای شناخت بیشتر یکی از شاخصه‌های شعری، ادبی و عرفانی شهر و دیارمان تصمیم گرفته شد تا ضمن بررسی احوال شیخ مغربی، گزیده‌ای از اشعار ایشان هم به جهت آشنایی نسل جدید با این شاعر گرانمایه آورده شود. علاقه‌مندان زیادی مشتاق خواندن اشعار وی‌اند، اما از آن جنایی که نسخه‌های منتشر شده در سال‌های قبل، نایاب و غیر قابل دسترسی بودند، لذا بر آن شدیم تا لااقل بخشی از اشعار آن شاعر گرانقدر را در اختیار مُردان و دوستدارانش قرار دهیم.

برای گزینش اشعار، از پنج کتاب چاپ شده‌ای که بدان دسترسی بود و شرح آن در ذیل خواهد آمد، بهره گرفته شد. ذکر این نکته لازم است که هیچ‌گونه دخل و تصرفی در اشعار صورت نگرفته است. تنها با استناد به همان کتاب‌ها - بگذریم از غلط‌های چاپی حتی در کتابی که توسط دانشگاه تهران

و دانشگاه مک گیل دانشگاه لندن<sup>(۱)</sup> انتشار یافته است - صرفاً آن را که به اصل نزدیک تر یافته ام برگزیده ام. چه بسا از اشتباهی که دیگران مُرتکب شده اند بنده هم مصون نمانده باشم؛ گرچه همی هم و غمم براین بوده است تا گزیده ای در خور، مُنقَح، موجز و آن چه به زبان اصل نزدیک تر باشد حاصل آید. کتاب هایی که در اختیارم بود، به ترتیب سالِ نشر چنین است:

۱- دیوان شیخ محمد مشهور به شمس مغربی، به سرمایه ی کتابفروشی حاجی غلامعلی کمالی که در اصفهان به بهای ۳۰ ریال به چاپ رسیده است. این کتاب دارای ۱۹۲ غزل است که از این تعداد، ۱۹۱ آن در دیوان محمدشیرین مغربی، به تصحیح و اهتمام دکتر لیثونازد لیوئیزان، انتشارات دانشگاه تهران، آمده است و ۸ غزل با مطلع های زیر کم دارد.

دو عباَلَم چیست؟ نقشِ صورتِ دوست

چه جای نقش و صورت، بلکه خودِ اوست

ز آسمانِ غیب، اول، ایزدا خوانم فرست

پس برای خوردنِ خوانِ تو مهمانم فرست

سَخَوَگَهِی که مَبُودُنْ به فالقِ الاَصباح

صَلای زنده دلان می زند به خوانِ صِلاح

هر که در جَنَّتِ دَل مِثْلِ تو حوری دارد

گر کند میل به فردوس، قُصوری دارد

یارِ ما هر ساعتی آید به بازاری دگر

تا بُود حُسن و جمالش را خریداری دگر

چه مِهْرِست آن نمی دانم که عالم هست دَرآتش

چه چهرست آن نمی دانم که آدم هست مِرآتش

۱- سه صفحه ۳۳۴ (غزل ۱۶۳) نگاه کنید که دو واژه «آمده و نگشوده» با واژه های ساده، فرستاده، سجاده، دل داده، شهزاده، افتاده، آزاده همقافیه شده اند. که در واقع در نسخه های دیگر «آماده و نگشاده» قید گردیده است. یا صفحه ی ۱ بیت ۲۵ «هیج» به جای «هیج» آمده است. در صفحه ی ۵۷ «رویش» «رویش» آمده.

آن بُتِ عیارِ مایا بنی ما و منن . . . عشق باز دایماً با خویشتن  
 ادرلی راح تـو حیدِ اَلا یسا ایها الساقی

۲- دیوان شمس مغربی، از انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، مردادماه ۱۳۴۸ شمسی، به خط عباس منظوری، کل کتاب ۱۶۰ صفحه، که ۱۲۱ صفحه‌ی از آن را غزلیات در برگرفته است.

این کتاب دارای ۱۹۴ غزل است که ۱۹۳ غزل آن در دیوان محمدشیرین مغربی، به تصحیح و اهتمام دکتر لئونارد لوئیزان، انتشارات دانشگاه تهران، آمده است و ۶ غزل از ۸ غزلی که در کتاب چاپ اصفهان نبود، در این کتاب هم نیست. ولی دو غزل با مطلع‌های زیر نسبت به کتاب فوق بیشتر دارد:

سَحرگهی که مَوَدُن به فالق الاصبح  
 صَلاهی زنده دلان می زنده خوانِ صلاح

آن بُتِ عیارِ مایا بی ما و من . . . عشق باز دایماً با خویشتن

۳- دیوان کامل شمس مغربی، به اهتمام دکتر ابوطالب میرعبادینی، انتشارات زوار، تهران، آذرماه ۱۳۵۸. این کتاب مجموعاً دارای ۲۰۰ غزل فارسی و ۲۲۳ بیتِ عزی و ۲۲ بیتِ مثنوی و ۳ ترجیع‌بند و ۳۵ رباعی و ۱۴ ترانه و یک غزل به زبان آذری است.

۴- دیوان عارف صمدانی، مولانا شمس مغربی، به اهتمام میرطاهر، با مقدمه و تصحیح مرحوم صادق علی، انتشارات تکیه خاکسار جلالی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

این کتاب دارای ۱۹۵ غزل است که ۱۹۴ غزل آن در دیوان محمدشیرین مغربی، به تصحیح و اهتمام دکتر لئونارد لوئیزان، انتشارات دانشگاه تهران، آمده است و ۵ غزل از همان غزل‌هایی که در دو کتاب نخست، اثری از آن‌ها نبود، این کتاب هم کم دارد. ولی نسبت به کتاب دوم، یک غزل با مطلع زیر اضافه دارد:

یار ما هرساعتی آید به بازاری دیگر تا بؤد حُسن و جمالش را خریداری دیگر  
این کتاب دارای یک ترجیع بند با مطلع زیر است که در بعضی نسخ نبود:

ما مست شراب لایزالیم      ما گلبن عیش را نهالیم

۵- دیوان محمد شیرین مغربی، به تصحیح و اهتمام دکتر لئونارد لوتیزان،  
انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، که این دیوان دارای ۱۹۹ غزل است. این  
کتاب ۵ الی ۶ غزل بیشتر از برخی از دیوان‌ها دارد.

می‌توانیم بگوییم که از شیخ مغربی تاکنون ۱۹۹<sup>(۱)</sup> غزل برجای مانده  
است. و این به جز اشعار وی در قالبی دیگر از قبیل ترجیع بند و مثنوی و  
رباعی و تعدادی قهلیات به زبان آذری است.

از بین کتاب‌های منتشر شده، کتابی که توسط دکتر لئونارد لوتیزان  
تصحیح، و با نسخه بدل‌ها مقابله گردیده، کامل‌ترین کتابی است که تاکنون  
منتشر شده، به‌ویژه آن‌که مٌصحح به نسخه‌های متعددی دسترسی داشته و  
تفاوت‌های آنان را در زیرنویس اشعار آورده است.

برای تبیین تفاوت نسخه‌های موجود، در مرتبه‌ی نخست می‌توان گفت که  
خود شیخ مغربی در آن دخیل بوده و در زمان حیاتش تغییراتی در اشعارش  
داده است. علاوه بر این ممکن است که کاتبان در طول تاریخ هرچه قدر هم که  
وفادار به متن بوده باشند چه بسا که هنگام نگارش، نقطه‌ای را اشتباهی بالا و  
پایین گذاشته‌اند و یا «آلفی» را کج نوشته‌اند و «دال» خوانده شده است و یا  
بیت، غزل یا غزل‌هایی را - نه به عمد - فراموش کرده‌اند بنویسند. و یا طبیعی  
است که پشه‌ی نابکاری نقطه‌ی نابجایی بر واژه‌ای نهاده و جھیده، و کاتبان  
بعدی آن را منظور داشته و جمله یا بیت، معنایی دیگر یافته است.<sup>(۲)</sup>

۱- گزجه دکتر سیروئل شمسا در صفحه‌ی ۲۱۷ کتاب «سیر غزل در شعر فارسی» (از آغاز تا امروز)، از  
انتشارات فردوس تهران، چاپ یکم، ۱۳۶۲، به نقل از دکتر پرویز ناطق خانلری، تعداد غزلیات شیرین مغربی  
را ۲۰۱ غزل ذکر می‌کند.

۲- فرضاً «نرد عشق» به «نرد عشق»، «جمله» به «جمله» تغییر یافته باشد. در بسیاری از ابیات در  
نسخه‌های متعدد «شیدا» به جای «پیدا»، «ما» به جای «تا»، «دگر» به جای «وگر»، «نگاهی» به جای «نگاری»،  
«اسماء» به جای «اشباء»، «بشنیدی» به جای «نشنیدی»، «مستور» به جای «مسطور»، «باز» به جای «یار» و  
«یار» به جای «دوست»، «خطیره» به جای «خطیره»، «۱۰۷» به جای «۱۰۷»، «غنا» به جای «فنا»، آمده یا برعکس.